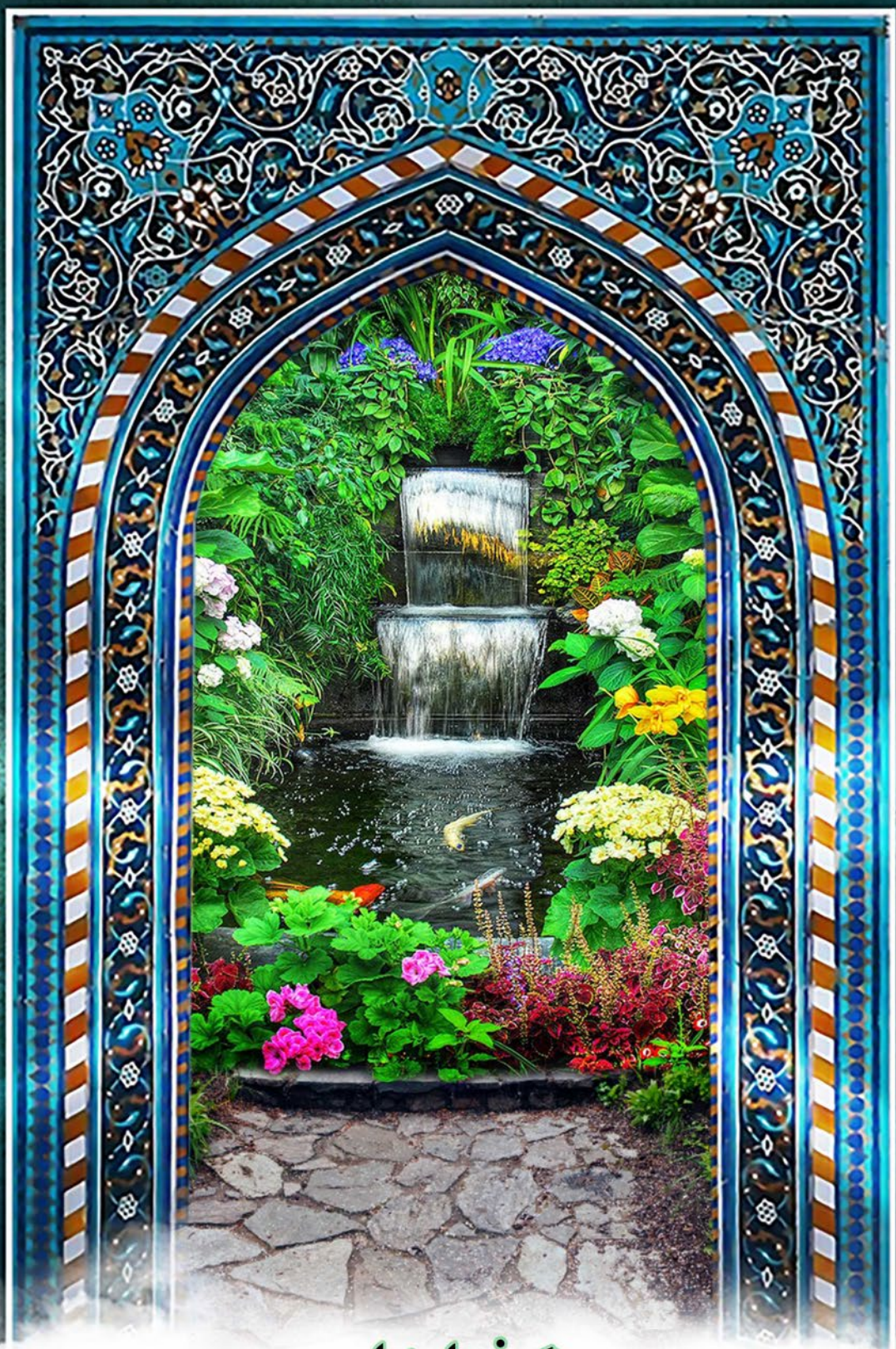




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ دعوت، امر به معروف و نهی از منکر
۲. اخلاق؛ مکارم و رذائل اخلاق
۳. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

دوازده گفتار از آن جناب در نهی از جدال و مخاصمه با مردم درباره‌ی آن جناب و دعوت آنان به سوی این کار

۱. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحُجَنْدِيُّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: إِنِّي وَاللَّهِ لَا أَعْلَمُ أَنَّ حَدِيثَكُمْ هَذَا لَتَشْمِئُزْ مِنْهُ قُلُوبُ الرِّجَالِ، فَأَنْبِذُوهُ إِلَيْهِمْ نَبْذًا، فَمَنْ أَقْرَبَ بِهِ فَرِيدُوهُ وَمَنْ أَنْكَرَ فَذَرُوهُ! إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ تَكُونَ فِتْنَةٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ ضَلِيلٍ وَكَاهِيَةٍ حَتَّى يَسْقُطَ فِيهَا مَنْ يَشْقُ الشَّعْرَ بِشَعْرَتَيْنِ، حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا أَنَا وَأَصْحَابِي، فَتَرْتَحِلْ إِلَى الْمَهْدِيِّ!

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: بر جناب منصور هاشمی خراسانی وارد شدم، پس شنیدم که به یارانش می‌فرماید: هرآینه به خدا سوگند من می‌دانم که دل‌های مردمان از این گفتار شما تنفر می‌یابد، پس اندکی از آن را به سویشان بیندازید، پس هر کس به آن اقرار نمود برایش بیفزایید و هر کس آن را انکار کرد رهایش کنید! هرآینه ناگزیر فتنه‌ای خواهد بود که هر متبخر و زیرکی در آن فرو می‌ریزد تا جایی که کسی که یک مو را به دو مو تقسیم می‌کند در آن فرو می‌ریزد، تا جایی که جز من و یارانم باقی نمی‌مانیم، پس به سوی مهدی کوچ می‌کنیم!

۲. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّالِقَانِيُّ، قَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَفْصَحَ مِنَ الْمَنْصُورِ، فَسَمِعْتُهُ يَوْمًا يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: أَرَأَيْتُمْ هَذِهِ الْفِتْنَةَ الَّتِي قَدْ أَحَاطَتْ بِالْقَوْمِ؟ فَإِنَّهَا لَا تَعْنِيكُمْ وَسَوْفَ تَطُلُ مُدِيرَةً وَسَتَأْتِيكُمْ مِنْ بَعْدِهَا فِتْنٌ صَمَاءٌ عَمِيَاءٌ مُظْلِمَةٌ تَشْهَرُ لَكُمْ سُيُوفُهَا وَتَبْعُثُ إِلَيْكُمْ جُيُوشَهَا وَأَنْتُمْ جُدِيلُهَا الْمُحَكَّكُ وَعَدَيْقُهَا الْمُرَجَّبُ! فَلَا تَعْجَلُوا لِعَجَلَةِ النَّاسِ وَلَا تَغْتَرُّوا بِشِدَّةِ الْبَأْسِ، فَإِنَّ الْيَوْمَ يَوْمُ الْأَحْزَابِ وَلَيْسَ بِيَوْمِكُمْ وَسَيَذْهَبُ قَرِيبًا فَيَذْهَبُونَ مَعَهُ، ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ يَوْمٌ يَصْعَدُونَ



فِيهِ فَلَا يَجِدُونَ دُونَكُمْ وَيَنْزِلُونَ فِيهِ فَلَا يَجِدُونَ دُونَكُمْ فَيَهْرَعُونَ إِلَيْكُمْ كَمَا يُهْرَعُ الْإِبِلُ إِلَى بَقِيَّةِ الْمَنَهِلِ! قُلْنَا: أَفَنَدْعُوهُمْ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: أَدْعُوا بِشَرَائِطِ اللَّهِ مَنْ رَجَوْتُمْ إِجَابَتَهُ وَلَا تَأْخُذُوا جُيُوبَ الْكَارِهِينَ وَلَا تَجْرُوا أَكْمَامَ الْمُعْرِضِينَ فَإِنَّمَا عَلَيْكُمُ الدَّعْوَةُ وَلَيْسَ عَلَيْكُمُ الْهِدَايَةُ ﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱

ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: احدی را (چه به فارسی و چه به عربی) فصیح‌تر از جناب منصور ندیدم، پس روزی شنیدم که به یاران خود می‌فرماید: آیا این فتنه‌هایی که قوم را در میان گرفته‌اند می‌بینید؟! هرآینه آن‌ها به شما مربوط نمی‌شوند و به زودی رویگردان می‌شوند و پس از آن‌ها فتنه‌های کر و کور و تاریکی به سراغ شما می‌آیند که شمشیرهایشان را برای شما برهنه و لشکریان‌شان را به سوی شما روانه می‌کنند، در حالی که شما درمانگر شتر پیس‌شان و نخل گران‌بار در حفاظ‌شان هستید! پس با عجله‌ی مردم عجله نکنید و به شدت گرفتن درگیری‌ها فریفته نشوید؛ چراکه امروز روز گروه‌ها است و روز شما نیست و به زودی می‌رود و آنان نیز با آن می‌روند، سپس بر مردم روزی می‌آید که در آن بالا می‌روند و کسی جز شما را نمی‌یابند و پایین می‌آیند و کسی جز شما را نمی‌یابند، پس به سوی شما می‌شتابند همان‌طور که شتران به سوی باقی مانده‌ی (آب در) آبشخور می‌شتابند! گفتیم: آیا با این وصف، آنان را به سوی این کار دعوت کنیم؟ فرمود: با شرایط خداوند هر کس که به اجابت او امیدوار هستید را دعوت کنید و گریبان کسانی که علاقه‌ای (به این کار) ندارند را نگیرید و آستین کسانی که (از آن) روی می‌گردانند را نکشید (یعنی بیش از حد اصرار نکنید)؛ چراکه بر شما تنها دعوت است و هدایت بر شما نیست «و خداوند هر کس را که بخواهد به راهی راست هدایت می‌کند!».

شرح گفتار:

واژه‌ی «الْجَذِيلُ الْمُحَكَّكُ» در گفتار فصیح آن جناب به معنای چوب محکمی است که در زمین نصب کرده باشند تا شتر جَرَب، بدنش را به آن بساید و درمان شود، هنگامی که شتران بسیاری را درمان کرده باشد و «الْعَذِيْقُ الْمُرَجَّبُ» به معنای نخل گران‌باری است که شاخه‌های آن را به گرد خوشه‌هایش پیچیده و بسته باشند تا باد نتواند به آن‌ها آسیبی برساند و با این وصف، مراد آن جناب از عبارت «أَنْتُمْ جَذِيلُهَا الْمُحَكَّكُ وَعَذِيْقُهَا الْمُرَجَّبُ» این است که یارانش به برکت تربیت آن جناب، مانند چوب محکم و کارآزموده‌ای نصب شده در زمین هستند که فتنه‌های آینده مانند شتران پیس، خود را به آنان می‌سایند تا درمان شوند؛ همچنانکه تحت رهبری آن جناب، مانند

نخل گران باری با خوشه‌هایی بسته شده هستند که بادهای فتنه‌های آینده نمی‌توانند به آنان آسیبی برسانند.

۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَالْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عِنْدَ الْمَنْصُورِ فِي بَيْتِهِ، فَالتَفَتَ إِلَيْنَا وَقَالَ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ سَيُكْرَهُ وَيُبْطَلُ وَتَأْخُذُ رُؤَاتُهُ وَيُسَاءُ إِلَى مَنْ يُظْهِرُهُ جَهْلًا وَعُدْوَانًا! فَكُفُّوا عَنِ النَّاسِ وَلَا تَدْعُوا إِلَى أَمْرِكُمْ مَنْ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ! أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ لَهُ أَهْلًا ذَخَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي عِلْمِهِ فَإِذَا شَاءَ أَدْخَلَهُمْ فِي ذَلِكَ لَا يَزِيدُ وَاحِدًا وَلَا يَنْقُصُ! ﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۚ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: من و حسن بن قاسم و محمد بن ابراهیم نزد منصور در خانه‌ی آن جناب بودیم، پس به ما متوجه شد و فرمود: هرآینه این امری که شما بر آن هستید انکار خواهد شد و باطل شمرده خواهد شد و روابانش دستگیر خواهند شد و به کسانی که آن را اظهار می‌دارند از روی نادانی و دشمنی بدی خواهد شد! پس از مردم دست بردارید و کسی که اهلش نیست را به سوی امرتان دعوت نکنید! آیا نمی‌دانید برای آن اهلی هست که خداوند متعال آنان را در علم خود ذخیره کرده است و هرگاه بخواهد آنان را به آن داخل می‌کند و یک نفر را نمی‌افزاید و کم نمی‌کند؟! «هرآینه خداوند به کارش رسنده است، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!».

۴. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: قَالَ لَنَا الْمَنْصُورُ: لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ! أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذِّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ؟ إِنَّ مِنَ الْقُرْآنِ آيَاتٍ لَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهَا إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، مِنْهَا قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾! فَكُفُّوا عَنِ هَؤُلَاءِ السَّفَلَةِ وَلَا تَدْعُوهُمْ إِلَى أَمْرِكُمْ! قَوْلَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَمْ يَزَلُوا فِي ضَلَالٍ وَاخْتِلَافٍ فِي الدِّينِ وَتَبْدِيلٍ لِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَإِظْهَارِ الْبِدْعِ وَإِبْطَالِ السُّنَنِ وَاتِّبَاعِ الْجَبَابِرَةِ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِهِمْ هَذَا! فَذَرُوهُمْ يُخَوِّضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ!

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: جناب منصور به ما فرمود: به مردم چیزی که

۱. الطلاق / ۳

۲. الجمعة / ۳



درک نمی کنند را نگویید! آیا دوست می دارید که خداوند و پیامبرش را تکذیب کنند؟! هرآینه آیاتی از قرآن هستند که تأویل آن ها را جز خداوند و راسخان در علم نمی دانند، یکی از آن ها این سخن خداوند بلندمرتبه است که فرموده است: «و دیگرانی از آنان که هنوز به آنان ملحق نشده اند را (بر می انگیزد) و او عزت مند حکیم است!». پس از این فرومایگان دست بردارید و آنان را به کارتان دعوت نکنید؛ زیرا به کسی که جانم به دست اوست سوگند همواره از روزی که خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم را به نزد خود برده است تا امروز، در حال گمراهی و اختلافی در دین و دگرگون کردن چیزی که خداوند در کتابش نازل کرده است و آشکار کردن بدعت ها و تعطیل کردن سنت ها و پیروی کردن از جباران بوده اند! پس آنان را وا گذارید که فرو روند و بازی کنند تا روزی که وعده داده می شوند را ببینند!

۵. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ الْمَنْصُورِ فِي مَجْلِسٍ، وَكَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ فَيُجِيبُهُمْ، فَلَمَّا فَرَعُوا مِنْ أَسْئَلَتِهِمْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ آتَاكَ عِلْمًا لَمْ يُؤْتَ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ وَعَدَنَا عَلَى لِسَانِ رَسُولِهِ رَجُلًا يَخْرُجُ مِنْ هَذِهِ الْبَلَدَةِ يُقَالُ لَهُ الْمَنْصُورُ، يُوْطَى لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ، وَأَنْتَ مَعَ عِلْمِكَ هَذَا وَدَعْوَتِكَ إِلَى الْمَهْدِيِّ يُقَالُ لَكَ الْمَنْصُورُ، فَهَلْ أَنْتَ هُوَ؟ قَالَ: مَا أَنَا إِلَّا رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ! فَلَمَّا أَلَحَّ عَلَيْهِ الرَّجُلُ قَالَ: لَوْ أَنَّكُمْ فُلْتُمْ مَا فُلْنَا وَسَكْتُمْ عَمَّا سَكْتُنَا لَكَانَ خَيْرًا لَكُمْ! فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنَّهُمْ يُعَيِّرُونَكَ وَيَقُولُونَ لَوْ جَاءَ ذَلِكَ الَّذِي وَعَدْنَا لَتَظَاهَرَ لِلنَّاسِ وَلَمْ يَسْتَتِرْ عَنْهُمْ! قَالَ: كَذَبُوا! أَمَا بَلَغَهُمْ قَوْلُ عَلِيٍّ فِيهِ: «أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسَرَّاجٍ مُنِيرٍ، وَيَجْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ، لِيَحُلَّ فِيهَا رِيقًا، وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا، وَيَصْدَعَ شَعْبًا، وَيَشْعَبَ صَدْعًا، فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ، لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ»؟! قَالَ الرَّجُلُ: إِنَّا نَدْعُو النَّاسَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَرُبَّمَا نُخَاصِمُهُمْ! قَالَ: إِنَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ، فَإِنَّهَا تَشْغَلُ الْقَلْبَ، وَتُورِثُ التَّفَاقُ، وَتَكْسِبُ الصَّغَائِنَ! إِنَّمَا عَلَيْكُمْ الدَّعْوَةُ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ الْخُصُومَةُ! قَالَ الرَّجُلُ: كَيْفَ لَا نُخَاصِمُهُمْ وَهُمْ يَسْأَلُونَنَا؟! قَالَ: إِذَا سَأَلُوكُمْ لِيُخَاصِمُوكُمْ فَلَا تُجِيبُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ: ﴿اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾!

ترجمه ی گفتار:

ذاکر بن معروف ما را خبر داد، گفت: به همراه جناب منصور در مجلسی بودم و مردم درباره ی هر چیزی از آن جناب می پرسیدند و آن جناب پاسخ می داد، پس چون از پرسش های خود فارغ شدند، مردی به آن جناب گفت: خداوند به تو علمی داده که به احدی از جهانیان نداده، در حالی که به ما با زبان پیامبرش مردی را وعده داده است که از این سرزمین بیرون می آید و به او منصور



گفته می‌شود و برای حکومت مهدی زمینه‌سازی می‌کند و به تو نیز با وجود این علمت و دعوتی که به سوی مهدی می‌کنی منصور گفته می‌شود، پس آیا تو همو هستی؟ فرمود: من جز یکی از مردم نیستم! پس چون آن مرد بسیار پافشاری کرد، آن جناب فرمود: اگر شما چیزی که ما می‌گوییم را بگویید و چیزی که ما مسکوت می‌گذاریم را مسکوت بگذارید برایتان بهتر است! پس آن مرد گفت: آن‌ها تو را سرزنش می‌کنند و می‌گویند اگر آن کسی که به ما وعده داده شده است آمده بود خود را به مردم نشان می‌داد و از آنان پنهان نمی‌شد! فرمود: دروغ می‌گویند! آیا سخن علی درباره‌ی او به آن‌ها نرسیده است که فرمود: «آگاه باشید! کسی از ما که آن دوران را درک می‌کند با چراغی فروزان در آن گام بر می‌دارد و پا بر جای پای صالحان می‌گذارد، تا بندی را در آن بگشاید و اسیری را در آن برهاند و جمعی را در آن پراکنده سازد و پراکندگانی را در آن گرد آورد، در حالی که از مردم پنهان است، تا حدی که جستجوگران از او اثری نمی‌بینند اگرچه پی در پی نظر می‌کنند؟! آن مرد گفت: ما مردم را به سوی این امر دعوت می‌کنیم و چه بسا با آنان به مخاصمه (یعنی مجادله‌ی خصمانه) می‌پردازیم! فرمود: از خصومت بپرهیزید؛ چراکه آن ذهن را درگیر می‌کند و نفاق را پدید می‌آورد و کینه را کسب می‌نماید! وظیفه‌ی شما تنها دعوت است و خصومت وظیفه‌ی شما نیست! آن مرد گفت: چگونه با آنان مخاصمه نکنیم در حالی که از ما می‌پرسند؟! فرمود: هرگاه برای این منظور از شما پرسیدند که با شما مخاصمه (یعنی مجادله‌ی خصمانه) کنند، به آنان پاسخ ندهید و بگویید: «خداوند پروردگار ما و شماست، کارهای ما برای خودمان و کارهای شما برای خودتان است، میان ما و شما بحثی نیست، خداوند میانمان جمع می‌کند و بازگشت (همه‌ی مان) به سوی اوست!»،

٦. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: قَالَ لِي الْمَنْصُورُ: إِنِّي أَخْبَرْتُ أَنَّكَ تَدْعُو النَّاسَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ فَتُكَثِّرُ عَلَيْهِمْ! قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَلَا تَفْعَلْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا كَتَبَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَدْخُلَ فِي هَذَا الْأَمْرِ كَانَ أَسْرَعَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّيْرِ إِلَى وَكْرِهِ! ثُمَّ قَالَ: حَرَامٌ عَلَى عَبْدٍ كَذَبَ الْحَقِّ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْ يُؤْمِنَ بِهِ أَبَدًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَاكًّا أَوْ يَكُونَ مِنَ الْمُعَارِينَ! قُلْتُ: وَمَنِ الْمُعَارُونَ؟! قَالَ: الَّذِينَ أَعَارَهُمُ اللَّهُ الْإِيمَانَ ثُمَّ سَلَبَهُمْ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَنَقَلَبْ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾؟!^١

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: جناب منصور به من فرمود: من آگاهی یافته‌ام فکار را نکن؛ چراکه هرگاه خداوند بلندمرتبه بر بنده‌ای نوشته باشد که به این کار داخل شود،



به آن سریع‌تر از پرنده به آشیانه‌اش داخل می‌شود! سپس فرمود: بر بنده‌ای که حق را در بار نخست تکذیب کرد حرام (یعنی محال) است که دیگر به آن ایمان آورد، مگر اینکه شک کننده یا از عاریه گیرندگان باشد! گفتم: عاریه گیرندگان کیانند؟! فرمود: کسانی که خداوند ایمان را به آنان عاریه می‌دهد و سپس از آنان واپس می‌گیرد! آیا سخن او را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «و دل‌ها و دیدگان‌شان را بر می‌گردانیم همان طور که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند و آنان را در طغیان‌شان وا می‌گذاریم تا سرگشته باشند»؟!

۷. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ فَيَظْطَعُوا وَيَكْفُرُوا! إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ لَصَعْبًا ثَقِيلًا لَوْ حَمَلْتَهُ الْجَبَالُ عَجَزَتْ عَنْ حَمْلِهِ! فَلَا تَحْمِلُوهُ عَلَى الْأَعْنَاقِ الضَّعِيفَةِ الْخَاضِعَةِ لِلْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَتَكْسِرُونَهَا كَمَا يَكْسِرُ الْقَصَابُ عُنُقَ الْبَعِيرِ! فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: أَفَمَا حَدَّثْتُهُمْ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ؟! فَالْتَفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ: لَا وَاللَّهِ! إِنَّمَا حَدَّثْتُهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ! حَدَّثْتُهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: شنیدم جناب منصور می‌فرماید: به مردم چیزی که نمی‌شناسند را نگویید که سر می‌کشند و منکر می‌شوند! هرآینه بخشی از علم بسیار دشوار و سنگین است، تا حدی که اگر کوه‌ها آن را بردارند از حمل آن ناتوان می‌شوند! پس آن را بر گردن‌های ضعیف و خاضع در برابر زندگی دنیا نگذارید که آن‌ها را می‌شکنید، همان طور که قصاب گردن شتر (قربانی) را می‌شکند! (عبد الله می‌گوید:) در این هنگام من با خودم گفتم: آیا او خود به آنان چیزی را نگفت که نمی‌شناسند؟! پس آن جناب به من روی نمود و فرمود: نه به خدا سوگند! من تنها چیزی را به آنان گفتم که می‌شناسند همان طور که پسرانشان را می‌شناسند! من کتاب خداوند را به آنان گفتم!

۸. أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخُتْلَانِيُّ، قَالَ: قَالَ لِي الْمَنْصُورُ: لَا تُخَاصِمُوا النَّاسَ فِينَا، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ اسْتَطَاعُوا أَنْ يُحِبُّونَا لَأَحَبُّونَا! قُلْتُ: وَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ أَنْ يُحِبُّوكُمْ؟! قَالَ: مَا فِي بُطُونِهِمْ!

ترجمه‌ی گفتار:

یونس بن عبد الله ختلانی ما را خبر داد، گفت: جناب منصور به من فرمود: با مردم درباره‌ی ما بگو مگو نکنید؛ چراکه مردم اگر می‌توانستند ما را دوست داشته باشند، حتماً دوست می‌داشتند! گفتم: چه چیزی آنان را باز می‌دارد از اینکه شما را دوست داشته باشند؟! فرمود:



چیزی که در شکم هاشان است!

۹. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطَّهْرَانِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: أَدْعُو النَّاسَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: أَعْرِضْهُ عَلَيْهِمْ وَلَا تُخَاصِمُهُمْ!

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: آیا مردم را به این کار دعوت کنم؟ فرمود: آن را بر آنان عرضه کن، ولی با آنان بگومگو نکن!

۱۰. أَخْبَرَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ عَبْدِ الْقَيْوَمِ، قَالَ: قَالَ الْمَنْصُورُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَرْبَعُ يُمُتَنَ الْقَلْبُ: الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ وَكَثْرَةُ مَنَاقِشَةِ النِّسَاءِ وَمُمَارَاةُ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَيَقُولُ وَلَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى! قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيِّ مُتْرَفٍ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد السلام بن عبد القیوم ما را خبر داد، گفت: منصور فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار چیز دل را می‌میرانند: گناه بر روی گناه و جز و بحث بسیار با زنان و جدال کردن با احمق که تو بگویی و او بگوید، در حالی که او هرگز به سوی خیر باز نمی‌گردد و همنشینی با مردگان! گفته شد: ای رسول خدا! مردگان کیانند؟ فرمود: هر ثروتمند بی‌درد!

۱۱. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحَجَنْدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: طُوبَى لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا وَتَرَكَ الْكِذْبَ وَإِنْ كَانَ مَازِحًا وَتَرَكَ الْقِصَاصَ وَإِنْ كَانَ مَنْصُورًا!

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: خوشا به حال کسی که جدال را ترک کند اگرچه بر حق باشد و دروغ را ترک کند اگرچه به مزاح باشد و قصاص را ترک کند اگرچه مورد حمایت (قانون) باشد!

۱۲. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّيْرِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ حَظًّا مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ صَادِقٌ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: از برخوردارترین مردم کسی است که جدال را وا می‌نهد در حالی که راست می‌گوید!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه نخست پایگاه

صفحه نخست پایگاه

صفحه آغاز تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.